

جنوب آسیا در یک آزمون تاریخی میان حرکت به سوی خلافت راشده ثانی و تداوم نظام‌های قبلی با چهره‌های جدید قرار دارد

مسلمانان شجاع بنگلادش با موجی از اعتراضات، شیخ حسینه، نخست‌وزیر این کشور، را پس از یک دوره‌ای طولانی حاکمیت ظالمانه و وابسته به استعمارگران، به شکلی خفت‌بار مجبور به فرار کردند و به عصر تاریک حکومت او پایان دادند.

ما این لحظه‌ی تاریخی را به مسلمانان بنگلادش تبریک گفته و آن را به‌عنوان یک فرصت بزرگ و آغاز موج بیداری نه تنها در بنگلادش بلکه در سراسر جنوب آسیا می‌دانیم. بدون شک، تحولات سیاسی سه سال گذشته در جنوب آسیا را می‌توان با «بهار عربی» مقایسه کرد. چنان‌که فرار شرم‌آور آمریکایی‌ها از افغانستان، وضعیت شکننده‌ی سیاسی و امنیتی پاکستان، و اکنون تغییرات در بنگلادش، این منطقه را در یک آزمون تاریخی قرار داده است. در این لحظه حساس، نکات و عبرت‌های زیر را قابل ذکر می‌دانیم:

قدرت‌های استعمارگر غربی تلاش دارند تا این فرصت بزرگ برای تغییر را، که آرزوی دیرینه مردم بنگلادش و کل جنوب آسیاست، با تغییر چهره‌ها به انحراف بکشند. مشکل اصلی در حاکمیت سیستم دولت - ملت بر سرزمین‌های اسلامی است و تغییر چهره‌ها مشکل را حل نخواهد کرد.

چنان‌که با شروع بهار عربی، بن علی از تونس فرار کرد، اما چون نظام تغییر نکرد، هیچ بهبودی حاصل نشد. حسنی مبارک از قدرت مصر کنار زده شد، اما چون نظام به حال خود باقی ماند، شرایط بدتر از قبل شد و همان سیستم، فردی ظالم‌تر و خائن‌تر مانند السیسی را به قدرت رساند. در پاکستان نیز، تغییراتی در رهبری ملکی و نظامی اتفاق افتاد، اما به دلیل این‌که سیستم استعماری فاسد به حال خود باقی ماند؛ اوضاع سیاسی، امنیتی و اقتصادی بدتر از قبل شد. این تجربه‌ی تغییر چهره‌ها به اشکال مختلف در افغانستان نیز تکرار شده است. بنابراین، مردم مسلمان بنگلادش باید از همچو اشتباهات تاریخی درس عبرت گرفته و اجازه ندهند که این عطش تغییر با جایگزینی چند چهره سیراب شود. چنان‌که استعمارگران تلاش دارند تا با حیل‌های مختلف بدون تغییر در نوعیت نظام، نفوذ خود را با آوردن چهره‌های جدید در بنگلادش حفظ کنند.

عبرت‌های که از این‌گونه حوادث باید گرفت، یکی این است که ریشه‌های قدرت باید در اعماق جامعه قرار داشته باشد؛ وگرنه چنین حکومت‌هایی بقا ندارند. به همین دلیل، اسلام تنها راه مشروعیت قدرت را، بیعت قرار داده است. اما حکومت بنگلادش مبتنی بر سیاست تک‌حزبی و استبدادی عمل می‌کرد، و بیشتر متکی به روابط با قدرت‌های خارجی بود. عبرت دیگر سیاست «اقتصادمحور» حکومت بنگلادش است که نمی‌توان جامعه را تنها با اقتصاد پیش برد، آن‌هم اقتصاد سرمایه‌داری؛ زیرا انسان‌ها علاوه بر ارزش‌های مادی، به ارزش‌های روحی (معنوی)، اخلاقی و انسانی نیز نیازمندند. به دلیل عدم همخوانی سیاست‌های حکومت بنگلادش با ارزش‌های مردم، حکومت‌داری نیز به فساد انجامید.

اما نکته اساسی این است که اگر خیزش‌های مردمی مبتنی بر یک مبدأ و فکر اساسی نباشند، به انحراف رفته و بی‌نتیجه خواهند ماند. تجارب تاریخی ثابت کرده است که مسلمانان در شکست اشغال‌گران و براندازی نظام‌های طاغوتی همواره موفق بوده‌اند، اما در مرحله نظام‌سازی و دولت‌داری ناکام مانده‌اند. بنابراین، خواست اکثریت مسلمانان بنگلادش و در کل مسلمانان جنوب آسیا، تأسیس خلافت راشده ثانی و حاکمیت اسلام است. مسلمانان بنگلادش نباید بگذارند فرصتی که پس از سال‌ها مبارزه و قربانی‌های بی‌شمار به دست آمده، با شعارهای عوام‌فریبانه دموکراتیک و بدون تغییر اساسی در نوعیت نظام از دست برود. بناء اهل قدرت در منطقه دست به دست هم داده و از این فرصت جهت پایه‌گذاری دولت خلافت راشده ثانی استفاده کنند، چون هر نظام دیگری بدون خلافت، تداوم اشغال، استعمار، بحران و دیکتاتوری خواهد بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [انفال: ۲۴]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که به شما حیات می‌بخشد! و بدانید خدا میان انسان و قلب او حایل می‌شود و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان